

حقوق مدنی و سیاسی بود، در همان حال، در برگیرنده برخی خواسته‌های ویژه ایرانیان بود که همواره در گذشته و اکنون خویش بر آن پای می‌فشرده‌اند: نگاه به هویت کلان این کشور - ملت، جلوگیری از گسترش فساد، ارتشاء، ناپرابری، اختلاس و شکم‌بارگی آنهایی که به سرعت از کوخ نشینی به کاخ نشینی ارتقا می‌یابند. جمیز آلن بیل راست می‌گفت که وی هنگامی که در روستاهای شیراز گواه ناپسامانی زندگی روستاییان بود در انتظار لرزش پایه‌های امپراتوری و پادشاهی ایران بود که دو هزار و پانصدمین سالگرد خود را جشن می‌گرفت. اصلاً مشکل محوری دولت‌مردان خاورمیانه همین است که همواره نگاه بخشی به مسایل کشور خود دارند و از ناپسامانیهای گسترده در کشور و در میان مردم بی‌خبرند. آنها تنها از راندمان دور و اطراف خویش خوشنودند و به آن می‌بالند در حالی که از کمی دورتر بی‌خبرند یا اصلاً نمی‌خواهند که چیزی از آن بدانند. به باور آنها انعکاس واقعیت‌های دیگر بخش‌های جامعه «سیاه نمایی» یا «ایجاد یأس» در جامعه است. حتی مدعیان درجه

خاورمیانه مدرن

Mehran Kamrava, *The Modern Middle East*, London: University of California Press, 2005, 497 pages.

دکتر مهدی ذاکریان

استادیار حقوق بشر دانشکده حقوق و

علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی

واحد علوم و تحقیقات

در فوریه ۱۹۷۹ رویداد بسیار بزرگی در خاورمیانه رخ داد: «انقلاب اسلامی ایران». این انقلاب بسیاری از معادلات، ترتیبات، برنامه‌ها، یافته‌ها و دستاوردها را به هم ریخت. انقلاب در عین اینکه نشانگر خواست جدی مردمی متمدن برای دستیابی به

یک جامعه مدنی نیز تاب شنیدن و دیدن تاریکیها و زشتیهای جامعه خویش را ندارند و آن را سیاه نمایی می نامند.

آنانی که با نظریه سیستمها آشنا هستند به نیکی می دانند که چنین نگاهی سبب ساز چگونه بحرانهایی می شود و حق هم همین است که نظامهای سیاسی خاورمیانه به ویژه ایران نتواند گره های خود را باز کند و این نظام پادشاهی ۲۵۰۰ ساله سرانجام در فوریه ۱۹۷۹ فرو بریزد. ایران در حالی که پس از ژاپن دومین کشور دنیا در رشد تولید ناخالص ملی بود، پنجمین قدرت نظامی دنیا محسوب می شد، دیرینه ترین تمدن و امپراتوری جهان بود، از بستر دانش روابط بین الملل معقولترین روابط و سیاست خارجی را تنظیم کرده بود و موفق ترین اقتصاد منطقه را داشت؛ فروپاشید. این رخداد و دیگر بحرانهایی منطقه که سبب ساز فراز و نشیبهایی برای منطقه شدند دست به دست هم دادند تا انگیزه های مهرا کامروا برای نگارش کتابی با عنوان «خاورمیانه مدرن» جزم شود.

دکتر مهرا کامروا استاد جوان و نام

آشنای ایرانی است که نزدیک به یک دهه است که گروه علوم سیاسی دانشگاه ایالتی کالیفرنیا، نورتریج را مدیریت می کند. مهرا کامروا با کتاب پیش روی که در دو بخش و یازده گفتار تهیه و تنظیم شده است تلاش کرده تا مسایل منطقه و ایران را با نگاهی حل المسایلی، درد شناسانه و علت یابانه مورد بررسی و مطالعه قرار دهد. به گفته خود کامروا این کتاب تاریخ سیاسی معاصر خاورمیانه را بررسی می کند. (ص ۱) نکته برجسته کتاب اینکه در پیشگفتار از همه مفاهیم و متغیرهای پژوهش تعریف روشنی ارائه می شود. ویژگیها و صفات منطقه مانند نژاد، قومیت، زبان، مذهب، جغرافیا، جامعه، تاریخ و مداخلات بیگانگان هر یک تعریف شده و تبیین می شوند.

متن کتاب در بهره گیری از نظریه های متخصصین منطقه بسیار غنی است. نویسنده تلاش کرده است تا در استدلال برای تحلیل مسایل منطقه از گزینه هایی بهره ببرد که بتوان بر آنها اتکا نمود. در همین زمینه در سراسر کتاب یک مفروض بسیار قوی دنبال می شود، اینکه

مذهب، قومیت و زبان سه عامل قدرتمند اتحاد (همگرایی) و تجزیه و درگیری (واگرایی) در منطقه بوده‌اند. (ص ۳) همین موضوع سبب ساز تقسیم کتاب به دو بخش است: بخش یکم - تاریخ سیاسی که به بستر تاریخی خاورمیانه و مضامین جای گرفته در آن می‌پردازد و بخش دوم - مفاهیم کلیدی مؤثر در منطقه. گفتارهای هر بخش به قرار زیر است: گفتار یکم از اسلام تا جنگ بزرگ به تاریخ خاورمیانه از روزهای آغازین ساخت شهرها و تمدنها تا هنگام مرگ منطقه با فروپاشی عثمانی آخرین امپراتوری بومی منطقه می‌پردازد. دوره‌های گوناگون تاریخی پیش و پس از اسلام در این منطقه، نقش ادیان در تاریخ منطقه و موضوع گسترش اسلام تا هنگام امپراتوری عثمانی و شاهان صفوی و قاجار و درگیریها و جنگها در این گفتار بررسی می‌شوند.

گفتار دوم از قلمروها تا دولتهای مستقل به مسایل تاریخی می‌پردازد که در فاصله دو دوره جنگ جهانی رخ دادند. همچنین ماهیت استقلال و دولت سازی مورد بررسی قرار می‌گیرند. در این گفتار

ضمن اشاره به شکل گیری دولت در دهه ۲۰ (ص ص ۵۰-۳۵) به قیامهای دهه های ۳۰ و ۴۰ نیز توجه می‌شود. آنگاه سه تحول منطقه بررسی می‌شوند: نخست؛ فرآیندهای تغییر در ترکیه در پی اقدامات ناسیونالیستی مصطفی کمال آتاتورک؛ دوم نقش رضا پهلوی در ایران و اقدامات وی و سوم نقش ابن سعود در جزیره العرب. در این گفتار موضوع پیشرفت در ترکیه، ایران و عربستان سعودی در دهه های ۲۰، ۳۰ و ۴۰ بررسی می‌شوند. در ایران و ترکیه، نظم جدید مبتنی بر نوگرایی و صنعتی گرایی بومی و خواست درونی بود و در همین زمینه هرم فرهنگی و سنتی جامعه در این دو کشور مورد تاخت و تاز سیستم قرار می‌گیرد تا نوگرایی و تغییرات دولتی به نتیجه برسد. در مقابل، دل مشغولی سعودی‌ها بیشتر متوجه دولت سازی بود و عبدالعزیز بن سعود می‌بایست از قبایل پراکنده عرب یک ملت یگانه به وجود می‌آورد و این یعنی اینکه وی پیش از هر چیزی بایستی به ملت سازی دست می‌یافت. نکته کانونی و یکسان در این

گفتار آن است که هر سه نظام سیاسی به واسطه تنها یک فرد مدیریت می شوند.

برهه ناسیونالیسم عنوان سومین گفتار کتاب است. ناسیونالیسم یکی از نیروهای بسیار قوی قرن هجدهم، نوزدهم، بیستم و بیست و یکم است و بسیار طبیعی است که خاورمیانه هم تحت تأثیر این نیروی جهانی باشد. به همین دلیل، پدیداری و گسترش سریع ناسیونالیسم در خاورمیانه در این گفتار بحث می شود. در همین زمینه ناسیونالیسم عرب، ترک و صهیونیسم به ویژه پان عربیسم و ناصریسم مورد بررسی قرار می گیرند. نکته بسیار ظریفی که کامروا در این گفتار به آن می پردازد این است که احساس هر دو گروه فلسطینی و اسرائیلی از هویت ملی به شیوه گسترده ای برگرفته از مضمون نفی دیگری بوده است. از نگاه اسرائیلی ها، فلسطین و فلسطینی هیچ گاه وجود نداشت و از نگاه فلسطینی ها؛ صهیونیسم هیچ گاه یک جنبش ملی و اسرائیل هیچ گاه یک ملت نبود. همین نگاه به آنجا انجامید که گفت و گوهایی میان آنها انجام نشود و هر یک دیگری را دشمن بنامد. به گونه ای که

این نگرش به جنگهای اعراب و اسرائیل انجامید.

گفتار چهارم با عنوان جنگهای اعراب و اسرائیل به بررسی دو جنگ ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ می پردازد. در این زمینه در آغاز پدیده ناصریسم و نقش وی در مصر و جهان عرب بررسی می شود. اینکه وحدت عربی سوریه و مصر دوام زیادی نیافت زیرا ناصر بیشتر خواهان گسترش نفوذ خود بر سوریه، یمن و دیگر کشورها بود. پان عربیسم همراه با ناصریسم بیشتر در میان توده ها رواج داشت و طبیعی بود که این ایده متکی بر کاریزمای ناصر باشد. به همین دلیل هنگامی که ناصر از دنیا رفت، ایده پان عربی هم از دنیا رفت. (صص ۱۱۵-۱۰۸) در ادامه، جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ و جزئیات آن بررسی می شوند. اینکه جنگ ۱۹۶۷ به باخت روحیه اعراب و دومی (۱۹۷۳) - اگر چه برنده و بازنده مشخصی نداشت - به تقویت روحیه آنها منجر شد.

ناسیونالیسم، دولت سازی و استحکام سیاسی به یکی از پیشرفتهای دراماتیک خاورمیانه یعنی انقلاب ایران در

سال ۷۹-۱۹۷۸ منجر شد که در گفتار پنجم بررسی می‌شود. کامروا در این گفتار با روشی علمی، ریشه‌ها و پیامدهای انقلاب که یکی از رخدادهای سیاسی مهم قرن بیستم بود را بررسی می‌کند. پس از علت‌یابی، وی جریان انقلاب تا دوران ریاست جمهوری خاتمی را بررسی می‌کند، به ویژه موضوع «حکومت قانون» و دستاوردها و چالش‌های این دوره از ریاست جمهوری در این گفتار بررسی می‌شوند.

در ششمین گفتار کتاب موضوع انقلابها و جنگها و جنگ ایران و عراق ۱۹۸۸-۱۹۸۰ و جنگ دوم خلیج فارس ۱۹۹۱-۱۹۹۰ بررسی می‌شوند. کامروا این نکته را هم یادآوری می‌کند که تهاجم صدام به ایران و بی‌تفاوتی یا حتی پشتیبانی جامعه بین‌الملل از او سبب ساز تقویت انگیزه‌های او برای تهاجم به کویت بود. (ص ۲۱۱) در پایان این گفتار نیز بحث علل و عوامل حمله‌های تروریستی یازدهم سپتامبر به آمریکا و پیامد تهاجم آمریکا به عراق در آوریل ۲۰۰۳ بررسی می‌شود. مجموعه بحث‌های این شش گفتار

فرآیندهای تاریخی است که با دقت مورد بررسی قرار گرفته‌اند. هر یک از این رویدادها نتایج عمیقی برای سیاست‌های معاصر خاورمیانه دارند و به ویژه در ارتباط با ماهیت روابط دولت - جامعه در هر کشور و روابط بین دولتها هستند.

بخش دوم کتاب، چهار موضوع مهم سیاسی کنونی که در فرآیند تاریخ پدیدار شدند را بررسی می‌کند: درگیری‌های فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها، چالش‌های پیشرفت اقتصادی، ماهیت و ساخت دولتها در خاورمیانه و مسئله دموکراسی. در واقع این موارد موضوعات اصلی هستند که بر سیاست‌های معاصر خاورمیانه اثر گذاشته‌اند.

موضوع گفتار هفتم درگیری اسرائیل - فلسطین است. در این قسمت تر اصلی نویسنده این است که موضوع هویت سبب ساز چالش میان دو طرف مناقشه است. این کسه هر یک دیگری را انکار می‌کند و حقوقی برای دیگری قایل نمی‌شود. ارزش علمی این تز به اندازه‌ای است که سراسر کتاب را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. رقابت و منازعه هویت‌های دو

طرف در جریان انتفاضه به ویژه انتفاضه دوم بررسی می شود و همین موضوع هویت نشان می دهد که چگونه حماس می تواند نقش برجسته ای در درگیریهای فلسطینی ها- اسرائیلی ها ایفا کند. (ص ص ۲۳۱-۲۳۰) این گفتار در بخش پایانی خود به موضوع فرآیند صلح می پردازد.

پیشرفت اقتصادی عنوان گفتار هشتم کتاب کامروا است. در این گفتار سه ویژگی اقتصاد سیاسی خاورمیانه بررسی می شود. نخست نقش فراگیر دولت، دوم تعقیب سیاستهای اقتصادی دولت برای کاستن نقش گسترده آن در روابط با بازیگران اجتماعی و سوم قابلیت محدود دولت در کنترل و یا حتی قاعده مند کردن بسیاری از فعالیتهای اقتصادی.

گفتار نهم به سیاستهای محلی می پردازد. در این گفتار شکل کنونی دولتهای خاورمیانه و فرآیند تاریخی ارتقای آنها بررسی می شوند. همچنین در این گفتار عواملی که به شکل گیری مخالفان این دولتها انجامید و به ویژه گروههای بنیادگرای اسلامی مانند القاعده بررسی

می شوند. همین موضوع به نوبه خویش سبب ساز طرح پرسش دیگری می شود. اینکه قدرت و خودمختاری گروههای اجتماعی در مقابل دولت چیست و چه عواملی سبب ساز دموکراسی گسترده می شوند. این موضوعات در گفتار دهم کتاب که مربوط به بررسی متغیرهای گذارهای دموکراتیک، الگوهای غالب دولت - جامعه در خاورمیانه و امکانات و چشم اندازهای دموکراسی گسترده است بررسی می شوند. آنگاه کتاب با یک بحث کوتاه درباره چالشهایی که اکنون و در دهه آینده در برابر خاورمیانه قرار دارند به پایان می رسد. کتاب بر این نکته اذعان می کند که قرن گذشته سبب پیشرفت خاورمیانه و تغییر در جبهه های گوناگون شد. آفرینش دولت، شهرسازی و حتی ایجاد زمینهای زراعی در سعودی از نمونه های بارز این پیشرفت هستند. اما منطقه همواره دشواریهای ویژه خود را داشته است، به ویژه در زمینه بی ثباتی اقتصادی، نرخ رشد جمعیت، میزان بسیار خطرناک آلودگی منابع طبیعی، ضعف در مدیریت و غیره. بنابراین، دولت یا بخش خصوصی هر چه

زودتر نیازمند پاسخ به چالش‌هایی است که در برابر خاورمیانه قرار دارند و یا حتی در آینده تکان دهنده تر از گذشته و اکنون خواهند بود.

ارزیابی

«خاورمیانه مدرن» عنوان زیبا و در عین حال نامناسب و به عبارتی وصله ناجور برای منطقه است. توصیف تاریخی و موضوعی منطقه از سوی کامروا انگیزه تغییر در عنوان کتاب را برای ما بیشتر می‌کند. شاید «خاورمیانه کنونی» یا «خاورمیانه باستانی» و یا «خاورمیانه ایستا» برای توصیف منطقه ما و شناخت درک آن مناسب تر و برازنده ترند. اگر چه بنا به گفته کامروا همواره بر این منطقه چند چیز محوری تأثیر گذارند: قومیت، مذهب و زبان، ولی چند چیز محوری هم وجود دارند که صفات ثابت منطقه شده‌اند: بحران، درگیری، چالش در پیشرفت و تعارضهای هویتی. جدا از این موضوع، کتاب در چند حوزه متمرکز است که همانها سبب قوت گرفتن کتاب شده است. یکی موضوع توجه به هویت در بحث درگیریهای اعراب و

اسرائیل است. کامروا برخلاف دیگر نویسندگان که موضوع درگیریهای اعراب و اسرائیل را بر پایه بحث سرزمین مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند، معتقد است که درگیری اعراب و اسرائیل بیشتر در موضوع هویت و ملیت قابل تحلیل است تا سرزمین. در واقع کامروا در کتاب خود بیشتر از این زاویه به تحلیل مسایل خاورمیانه پرداخته است. این دیدگاه کامروا یک دیدگاه متمایز و ویژه‌ای است که به پیچیدگیهای هویتی منطقه می‌پردازد و می‌تواند بسیاری از زوایای تاریک شناخت منطقه ما را روشن کند. از دیگر نقاط قوت کتاب این است که در بخش دوم تلاش کرده تا هر یک از مفاهیم محوری منطقه را تجزیه و تحلیل کند. بنابراین، در موضوعات و مباحث خاورمیانه هم موضوع دموکراسی گسترده‌تری بررسی می‌شود و هم موضوع اعراب و اسرائیل و ساختارهای دولتی و مخالفان دولتی و پیشرفت اقتصادی که بخش دوم کتاب را در بر می‌گیرند. همه این گفتارها از زاویه تئوریک وی بررسی می‌شوند و به همین دلیل کتاب کامروا به واسطه نگاه تئوریک

ارزشمند است. اگر چه کتاب مهران کامروا برای نخستین بار اجازه چاپ نیافت و در بار دوم هم به دلیل تمرکز وی بر جنبه‌های منفی هویت اسرائیلی‌ها و عملکرد اسرائیل و بهره‌گیری از منابع انتقادی مسورد خرده‌گیری شماری از استادان صهیونیست و طرفدار اسرائیل قرار گرفت، ولی سرانجام ارزش علمی، نگاه تئوریک و پیشینه پر مطالعه کامروا سبب شد تا کتاب از سوی یکی از معتبرترین ناشران دنیا به چاپ برسد. قطعاً کتاب کامروا کمک فراوانی به ادبیات علمی و سیاسی منطقه و همچنین شناخت مسایل اعراب و اسرائیل کرده است و محل بررسی و نقد بیشتر است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی